

سرمقاله

دو بحران پنهان اقتصاد ایران

ادامه از صفحه یک...موضوع «سوئیفت» نمونه بارز این فضای روانی است. برخلاف آن‌چه در رسانه‌ها مطرح شد، انسداد سوئیفت تأثیر اقتصادی قابل توجهی بر ایران نداشت. حدود ده سال پیش، قطعنامه ۱۹۲۶ سازمان ملل محدودیت‌هایی در حوزه نقل و انتقال پول برای ایران ایجاد کرد که حتی واردات دارو را با مشکل مواجه ساخت. اما امروز، با وجود پیشرفت سیستم‌های مالی در کشورهای مانند چین و روسیه، حتی اگر سوئیفت فعال بود، استفاده از آن به‌دلیل هزینه بالا و زمان‌بر بودن تراکنش‌ها، منطقی نبود. آن‌چه در فضای رسانه‌ای مطرح شد، بیشتر یک «بحو روانی» بود که به شکل‌گیری ترس عمومی از آینده اقتصاد ایران منجر شد. بخش دیگری از تورم فعلی نیز ناشی از سوءاستفاده از همین جو روانی است. برای مثال، در بازار برنج شاهد بودیم که کالایی باقیمت جهانی حدود یک دلار و واردات بازرز نیما‌یی، در نهایت با قیمت بیش از ۲۲۰ هزار تومان به دست مصرف‌کننده ایرانی رسید. این یعنی تورمی که از دل سوءمدیریت و رفتارهای عمدی در بازار بیرون آمده است. در مقایسه با کشورهای منطقه یا اقتصادهایی با شرایط مشابه ایران، تورم ۴۸ درصدی نه طبیعی است و نه قابل قبول. مسئله اصلی، فرهنگ‌سازی اقتصادی است. باید پذیریم که تورم «سود» نیست. متأسفانه در ایران بسیاری از افراد بر تورم سرمایه‌گذاری می‌کنند، چون می‌دانند دیر یا زود موجی از احتکار یا تقاضای هیجانی شکل می‌گیرد و قیمت‌ها بالا می‌رود. اما هیچ اقتصادی در دنیا از تورم سود نمی‌برد. تورم، بیماری اقتصادی است، نه فرصت سرمایه‌گذاری. تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و تاجران باید بدانند که اگر برای افزایش تورم تلاش کنند، در نهایت سود خالص خود را باید صرف جبران هزینه‌های ناشی از همان تورم کنند. در هیچ اقتصاد سالمی در دنیا، چنین رفتاری عقلانی یا مشروع نیست. اما در ایران، به دلیل ضعف سواد اقتصادی، در برخی موارد حتی شاهد تئانی کارفرمایان سادولت‌ برای افزایش قیمت‌ها هستیم. این رفتار غیرعقلانی باعث شده کارفرمایان خودشان بخش بزرگی از سودشان را از دست بدهند، چون مجبور شده هزینه‌های ناشی از تورم را از محل سودشان جبران کنند. در حالی که دولت هم از همان سود، مالیات ۲۵ درصدی دریافت کرده است. در دنیا، مقاومت در برابر افزایش قیمت‌ها معمولاً از سوی اتحادیه‌های قدرتمند کارفرمایی شکل می‌گیرد، اما در ایران برعکس است؛ کارفرمایان خودشان به رشد قیمت‌ها دامن می‌زنند و در حقیقت شاخه‌ای را که روی آن نشسته‌اند، می‌پرند. ما با دو بحران مهم، در کشور مواجهیم که به افزایش تورم دامن زده‌اند: نخست، بحران سرمایه‌گذاری در بازارهایی با ارزش افزوده صفر. بخش بزرگی از سرمایه‌های کشور به سمت بازارهایی مانند طلا و ارز رفته که ارزش افزوده واقعی ندارند و صرفاً نقش پناهگاه روانی برای سرمایه‌گذاران ایفا می‌کنند. دوم، بحران بازدهی منفی. اکثر فعالیت‌های اقتصادی در ایران بازدهی متناسب با تورم ندارند. یعنی سود تولیدکننده کمتر از رشد هزینه‌هاست و این وضعیت، اقتصاد را در چرخه‌ای معیوب-از زیان و تورم گرفتار کرده است. تا زمانی که این دو بحران حل نشود و رفتارهای اقتصادی اصلاح نگردد، کنترل تورم با هیچ سیاست‌مطلقه ممکن نخواهد بود. راه حل، نه تصمیم‌های کوتاه‌مدت، بلکه در بازسازی ساختارهای اقتصادی، اصلاح فرهنگ عمومی و تقویت عقلانیت در سیاست‌گذاری است.

یادداشت

بازی تاج و تخت پوتین با جهان غرب

ادامه از صفحه یک...تحولات باعث شد پوتین احساس کند که طرف مقابل جدی است و قصد دارد او را تحت فشار بگذارد تا امتیاز بگیرد. در واکنش به این وضعیت، پوتین تصمیم گرفت حرکتی انجام دهد تا نشان دهد در برابر فشارها مغفل نیست و می‌تواند طرف مقابل را عقب براند. در همین راستا، او از یک سلاح جدید رونمایی کرد: نه بمعنای آزمایش رسمی سلاح هسته‌ای، بلکه موشکی تازه با سوخت هسته‌ای یا ترکیبی میان موشک و فناوری هسته‌ای. هدف پوتین این بود که با چنین اقدامی یک نوع پیام هشدار را صادر کند و اکنون وضعیت به گونه‌ای است که دو طرف عملاً در حال رصد و سنجش یکدیگر هستند تا ببینند چگونه می‌توانند به نوعی از توافق برسند. با تمام این تقاسیر باید دانست که ترامپ فردی نیست که بخواد تنش با روسیه را تا حد دیگری بالا ببرد، زیرا چنین وضعیتی می‌تواند پای آمریکا را به جنگ باز کند. از این رو، وقتی روسیه آن موشک را آزمایش کرد، امریکان نیز اعلام کرد که زیردردی ندارد خود را وارد بازی روسیه کرده است. این اقدامات بیشتر در چارچوب نمایش قدرت و هشدار متقابل انجام می‌شود تا در برابر دیدگان جهانپان هر طرف نشان دهد عقب‌نشینی نمی‌کند. در حال حاضر، دو طرف در حال «زور آزمایی و بازیابی متقابل» هستند، اما پیش‌بینی من این است که طرف چند هفته آینده، اوضاع دوباره آرام‌تر شود. احتمالاً پس از این دوره تنش، ترامپ بار دیگر مسئله دیدار با پوتین را مطرح خواهد کرد. پیش‌تر هم پیش از آزمایش موشکی روسیه، او گفته بود که احتمال دیدار وجود دارد. در واقع، مجموعه این اقدامات نوعی فشار سیاسی بود که چندان نتیجه نداد و حالا باید دید در ادامه چه پیش می‌آید.

در خصوص موازنه‌ی قدرت در جنگ اوکراین نیز باید گفت که ترامپ به‌دنبال آن است که روسیه را قانع کند به همین مناطقی که اکنون در اختیار دارد بسنده کند؛ یعنی او تمایل ندارد جنگ تا بازپس‌گیری کامل سرزمین‌ها ادامه یابد. از سوی دیگر، زلنسکی گاهی با سرد شدن روابطش با پوتین، تصور می‌کند می‌تواند با حمایت کامل غرب، به‌ویژه آمریکا، اقدام نظامی تازه‌ای انجام دهد؛ در حالی که چنین حمایتی چندان قطعی نیست. در سفر اخیر زلنسکی به واشنگتن نیز به او صراحتاً گفته شد که باید زمین‌های را که اکنون از دست داده بازپس گیرد. بحث اصلی بر سر همان حدود ۳۰ درصد مناطق شرقی اوکراین است که روسیه هنوز نتوانسته کاملاً تصرف کند. بر این اساس روند تحولات در نهایت به سمت گفت‌وگو و مذاکره حرکت خواهد کرد و آنچه اکنون می‌بینیم، بیشتر ترس نوعی مقدمه‌چینی و آماده‌سازی برای آغاز مذاکرات احتمالی خواهد بود.

انحلال بانک‌های ناتراز اقدامی مهم برای جلوگیری از تورم است



پهروز محبی‌نجم‌آبادی؛ عضو کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با اشاره به تعیین تکلیف بانک آینده اظهار کرد: انحلال بانک‌های ناتراز اقدامی مهم و تأثیرگذار در مسیر جلوگیری از تورم ایجاد شده به دلیل عملکرد نادرست و غیرشفاف است. عضو کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس افزود: درباره تعهدات و بدهی‌های بانک سابق آینده نیز باید بگویم که تعهدات این بانک از محل دارایی‌های آن پرداخت می‌شود و مردم و به ویژه سپرده‌گذاران از این بابت دغدغه نداشته باشند. وی اظهار کرد: با توجه به نقش و تأثیر بانک آینده در رشد نقدینگی و رشد پایه پولی و تورم در کشور اگر این بانک به فعالیت خود ادامه می‌داد، به طور قطع با تورمی بیشتر و وحشتناک‌تر در جامعه مواجه بودیم. محبی‌نجم‌آبادی تصریح کرد: پس از تصمیم مهم و بزرگ بانک مرکزی درباره انتقال دارایی‌های نقدشونده بانک آینده به بانک ملی، منتظر تعیین تکلیف بانک‌های ناتراز و متخلف دیگر که باعث افزایش تورم در جامعه می‌شوند هستیم و امیدواریم که حق مردم از این بانک‌ها گرفته شود. عضو کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات مجلس افزود: فلسفه وجودی بانک‌های خصوصی حمایت از تولید بود، اما با انحراقی که در مسیر فعالیت برخی از آنها ایجاد شد؛ این بانک‌ها زمینه‌ساز رشد نقدینگی و افزایش تورم در جامعه شدند و به جای حمایت از تولید نقدینگی را به سمت شرک‌های خود بینشان هدایت می‌کردند.

«تجارت» از پیامدهای ناترازی و هشدار تازه بانک مرکزی گزارش می‌دهد

بحران خاموش در نظام بانکی



ساختاری رنج می‌برند و با مشکلاتی مشابه روبه‌رو هستند. وقتی دولتی که خودبزرگ‌ترین بدهکار شبکه بانکی است، مدیریت بانک‌های ناتراز را به دست می‌گیرد، نتیجه‌ای جز گسترش دامنه بحران نخواهد داشت.

▪ بانک‌های دولتی؛ پاشنه آشیل نظام بانکی

یکی از مشکلات پنهان اما تأثیرگذار در این میان، ساختار مدیریتی بانک‌هاست. در ظاهر، بخشی از بانک‌های کشور خصوصی‌اند، اما در عمل بسیاری از آن‌ها توسط نهادهای شبه‌دولتی اداره می‌شوند. مدیران این بانک‌ها اغلب نه به معیارهای حرفه‌ای، بلکه با ملاحظات سیاسی انتخاب می‌شوند. در نتیجه، تصمیم‌ها نه بر پایه منطق اقتصادی، بلکه بر اساس روابط و فشارهای بیرونی گرفته می‌شود. این ساختار، بهره‌وری را کاهش می‌دهد و ریسک تصمیم‌های غیرتجاری را بالا می‌برد. نمونه‌های متعددی از بانک‌هایی که با ظاهر خصوصی اما با مدیریت دولتی فعالیت کرده‌اند، نشان می‌دهد که چنین ترکیبی در نهایت به ناکارآمدی و بحران منتهی می‌شود. از سوی دیگر، ناترازی بانک‌ها آثار اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای دارد. وقتی بانک‌ها برای چبران کسری منابع، نرخ سود سپرده را بالا می‌برند، عملاً کل بازار پول را دچار رقابت ناسالم می‌کنند. نرخ

ضرورت اصلاح سیاست‌های ارزی کشور



حسین مصصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور تأکید کرد: تحریم‌های آمریکا که سال‌هاست علیه ایران اعمال می‌شود، بسیار شدیدتر از محدودیت‌هایی است که در قالب مکانیسم ماشه مطرح می‌شود. به گفته عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، تحریم‌های ناشی از فعال شدن این سازوکار عمده‌تأفاد، تسلیحات و موضوعات هسته‌ای را هدف قرار می‌دهد، در حالی که کشور در این حوزه‌ها به خودکفایی نسبی رسیده و فعالیت‌ها با تکیه بر ظرفیت داخلی ادامه دارد؛ بنابراین، از منظر واقعی، اثر چشمگیری بر اقتصاد نخواهد داشت، هر چند ممکن است روند دور زدن تحریم‌ها را اندکی دشوارتر کند. وی افزود: در تحلیل اقتصادی این موضوع باید میان آثار واقعی و انتظاری تفاوت قائل شد. آثار انتظاری، که ناشی از فضای روانی و نبود تبیین درست برای مردم است، در حال حاضر بیش از آثار واقعی بروز کرده است. به گفته مصصامی، نخستین بازاری که از این شرایط تأثیر می‌پذیرد، بازار ارز است و افزایش نرخ ارز نیز به سرعت بر قیمت طلا، سکه و سایر کالاها اثر می‌گذارد؛ وضعیتی که دلالت و بورس‌بازان از آن برای نوسان‌گیری بهره می‌برند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از سیاست‌های ارزی دولت تصریح کرد این سیاست‌ها نتوانسته‌اند انتظارات تورمی را کنترل کنند و حتی موجب تشدید آن شده‌اند.

«تجارت» از پیامدهای ناترازی و هشدار تازه بانک مرکزی گزارش می‌دهد

گروه اقتصاد کلان: در هفته‌های اخیر، هشدار بانک مرکزی به چند بانک ناتراز دیگر، بار دیگر نگاه‌ها را به سوی یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور، یعنی نظام بانکی، جلب کرده است. اشاره مستقیم این نهاد به تجربه بانک آینده، این پیام را در خود دارد که اگر اصلاح ساختار مالی بانک‌ها و رعایت نسبت کفایت سرمایه به تأخیر بیفتد، ممکن است سناریوی مشابهی برای چند بانک دیگر نیز رقم بخورد؛ به گزارش تجارت، موضوع ناترازی در نظام بانکی، مسئله‌ای صرفاً حسابداری یا اداری نیست؛ پدیده‌ای است که در صورت بی‌توجهی می‌تواند بنیان اعتماد عمومی و ثبات پولی کشور را متزلزل کند. انحلال یک بانک، تصمیمی ساده و اداری نیست. بانکی که با سپرده‌های میلیون‌ها نفر و تعهدات سنگین مالی درگیر است، بخشی از شریان حیاتی اقتصاد محسوب می‌شود. حذف چنین نهادی، حتی اگر با هدف اصلاح انجام شود، می‌تواند موجی از بی‌اعتمادی در میان سپرده‌گذاران و فعالان اقتصادی ایجاد کند. از همین روست که کارشناسان تأکید دارند اصلاح نظام بانکی باید با دقت، تدبیر و نظارت انجام شود، نه با تصمیم‌های ناگهانی و پرهزینه. واقعیت این است که ناترازی بانک‌ها در ایران حاصل یک دوره کوتاه یا یک خطای مدیریتی نیست. ریشه این مشکل را باید در سال‌ها ضعف نظارت، مداخله‌های دولت در منابع بانکی و ساختار ناکارآمد مدیریتی جست‌وجو کرد. بانک مرکزی در بسیاری از دوره‌ها نتوانسته یا نخواسته است وظایف نظارتی خود را به‌طور کامل انجام دهد. نظارتی که باید از انحراف در ترازنامه‌ها، اضافه‌برداشت‌ها و اعطای تسهیلات بی‌ضابطه جلوگیری کند. اغلب پس از وقوع بحران فعال شده است. همین تأخیر در اقدام، باعث شده ناترازی‌ها عمق پیدا کنند و بانک‌ها در شرایطی قرار بگیرند که بازگشت به تراز مثبت به‌سادگی ممکن نباشد.

▪ چه عواملی باعث تشدید ناترازی بانکی شد؟

در کنار ضعف نظارت، دخالت‌های گسترده دولت نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش ناترازی داشته است. دولت‌ها در سال‌های اخیر، به جای اصلاح ساختار بودجه و کنترل هزینه‌ها، بار تأمین مالی خود را بر دوش بانک‌ها گذاشته‌اند. از الزام به پرداخت تسهیلات تکلیفی گرفته تا استقرار غیرمستقیم از طریق اوراق و برداشت از منابع بانکی، همه این‌ها بانک‌ها را از مسیر طبیعی خود دور کرده است. وقتی

وزیر اقتصاد در نشست هم‌اندیشی با مدیران مناطق آزاد کشور مطرح کرد

ناطق آزاد، محور انتقال فناوری و توسعه صادرات



افزود: مناطق آزاد واجد ظرفیت حکمرانی جدید هستند و باید با اجرای قواعد اقتصاد آزاد رقابتی، نه انحصاری، شرایط رشد واقعی را فراهم کنند. وی یکی از گام‌های تحول را «حذف بارانه انرژی و حذف قیمت‌گذاری دولتی در مناطق آزاد» به‌عنوان پایلوت کشور دانست و گفت: انرژی، تسهیلات و سپرده باید آزاد و رقابتی باشد تا انگیزه سرمایه‌گذاری افزایش یابد. وزیر اقتصاد همچنین تأکید کرد: مناطق آزاد باید به محور انتقال فناوری در کشور تبدیل شوند؛ رشد فناوری بدون بهره‌گیری از دانش جهانی ممکن نیست. او تکرار خطای جایگزینی واردات در حوزه فناوری را بزرگ‌ترین تهدید دانست و گفت باید دانش جهانی را با مدل بومی ترکیب کرد. مدنی‌زاده با تصریح اینکه «مصیبت اقتصاد ایران سیاست جایگزینی واردات بود»، افزود: داخل، توسعه صادرات است و مناطق آزاد باید در خط مقدم صادرات قرار گیرند؛ با تقاضامحوری، رقابت‌بلامرقیب خارجی، کاهش هزینه تولید، افزایش

ضرورت توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای بلوک شرق

تضادهای جدی با آمریکا دارند که نشان می‌دهد آمریکا دیگر اقتدار گذشته را ندارد و تلاش می‌کند از طریق قدرت نظامی کار خود را پیش ببرد. ما هم کشوری نیستیم که تن به زور گو‌یی و قلدری نظامی بدهیم. بنابراین باید از فرصت موجود برای تقویت تعامل و ارتباط با کشورهای بلوک شرق و پیچمان‌های بین‌المللی بهره ببریم. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در پاسخ به این که «ملکدر دولت در این زمینه چگونه است؟» گفت: یک‌سری اقدامات انجام می‌شود اما هنوز گره‌گشای اصلی نیست. برای مثال در بحث هسته‌ای هدف گذاری شده که ۲۰۰ تیر و گاه اتمی ساخته شود و از ظرفیت چین و روسیه برای تأمین مالی، انتقال دانش فنی و تکنولوژی استفاده شود. به اگر چه ما قادر به ساخت نیروگاه‌های ۳۰۰ مگاواتی هستیم اما

با این کشورها داشته باشیم. البته نباید فرصت‌های تعامل با کشورهای شرقی از جمله کشورهای همسایه، چین، روسیه، هند و همچنین برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل و کشورهای نوظهوری مثل آفریقای جنوبی را از دست بدهیم. الان فرصتی فراهم شده و باید از همه ظرفیت‌هایمان استفاده کنیم. در قالب پیچمان‌های بین‌المللی مانند بریکس، شانگهای و اوراسیا، می‌توانیم از ظرفیت این کشورها بهره‌برداری کنیم، زیرا همه تکنولوژی مورد نیاز ما از طریق این کشورها قابل تأمین است. قادری گفت: همچنین شاهد هستیم که برخی کشورها تمایلی به تعامل گسترده با آمریکا ندارند. برای مثال نخست‌وزیر هند حاضر نشد در جلسه پیچمان «آشمار» شرکت کند. چون نمی‌خواست با ترامپ دیدار کند. برخی کشورها مانند روسیه

گروه اقتصاد کلان: جعفر قادری، نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصاد معاصر در ارتباط با تعامل دولت با کشورهای دوست و همسایه و کشورهای بزرگ منطقه از جمله روسیه و چین اظهار داشت: هنوز در دولت چهاردهم تمایل به غرب‌بود دارد و راه‌حل بسیاری از دلت‌مردانی که تأثیرگذار هستند، ارتباط دوباره با غرب‌است، در حالی که ما طی این مدت دیده‌ایم که غرب فقط به شکست ما رضایت نمی‌دهد و تلاش می‌کند کشور ما را تجزیه و به بخش‌های کوچک تقسیم کند تا کنترل آن آسان شود. چنین نگاهی نسبت به ایران وجود دارد؛ بنابراین نباید به هیچ وجه همه تخم‌مرغ‌هایمان را در سبد کشور‌های غربی قرار دهیم. وی ادامه داد: در عین حال نباید سر‌نامزگار و درگیری